

Critical analysis of the book *In Abbasi Poetry, Analysis and Taste*

Mohammadreza Qaffari*, Abdolhosein Faqih**

Abstract

There have been many books, research papers, and writings that talk about the Abbasid era, its characteristics and features, as Abbasid poetry is dealt with with its criticism and analysis. The book "Abbasid Poetry, Analysis and Taste" by the Egyptian critic and writer, Ibrahim Awad, who is the author of many books on criticism and Arabic literature, tries to criticize the masterpieces of Abbasid poetry in simple language, avoiding the ruggedness of critical terminology to make it easier for readers and speakers to understand, in an attempt to clarify their aesthetic characteristics through Employing aesthetic criticism in criticism.

This research seeks to study the book - previously mentioned - and critique it in form and content, following a descriptive-critical approach to clarify its position, identify strengths and weaknesses, and scrutinize it from defects. Among the positives that we must ponder in the book can be referred to the employment of applied models, matching the design of the book cover with the topic, choosing masterpieces of Abbasid literature for criticism, evaluation and analysis, and the book's analysis of criticism and analysis instead of collection and transmission.

The absence of a necessary systematic introduction, the absence of the result, the absence of a list of sources or returning to the sources are among the problems that must be tracked and fixed. The truth is that the writer has diverted his attention from some criteria and buildings for aesthetic criticism and did not provide a comprehensive aesthetic criticism that is comprehensive in all the meaning of the word, and The book still needs aesthetic critical additions and highlights, but due to its analytical and critical advantage, it can be taught as two

* PhD in Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

** Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran,
afeghi@ut.ac.ir.

Date received: 2020-10-24, Date of acceptance: 2020-12-17

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

١٦٨ نقدنامه زبان و ادبیات عربی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ١٣٩٩

units of study for students of the Arabic Language and Literature Branch at the MA stage under the title: "Aesthetic Criticism and Analysis of Abbasid Poetry".

Keywords: Abbasid poetry; analysis; Ibrahim Awad; form; content.

تقدنامه زبان و ادبیات عربی، شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی
دوفصل نامه علمی (مقاله پژوهشی)، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ۱۶۹-۱۸۹

تحلیل انتقادی کتاب فی الشعر العباسی، تحلیل و تندوق

محمد رضا غفاری*

عبدالحسین فقهی**

چکیده

در رابطه با شعر و ادبیات عصر عباسی، نقدها و تحلیل‌های متعددی به رشته تحریر درآمده است. کتاب *فی الشعر العباسی، تحلیل و تندوق*، اثر ابراهیم عوض، ناقد و ادیب مصری است که می‌کوشد با زبانی ساده و به دور از تکلف و اصطلاحات پیچیده نقدی، برجسته‌ترین قصاید ادب عباسی را برای مخاطب قابل فهم سازد و با رویکرد فرمالیستی، جنبه‌های زیبایی‌شناسی آن را تبیین کند. پژوهش حاضر با معرفی جایگاه و هدف این کتاب، آن را در شکل و محتوا، مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهد. از مزایای کتاب می‌توان به جنبه کاربردی آن، تناسب طرح جلد با موضوع، انتخاب شاهکارهای دوره عباسی، و غلبه تحلیل و تحقیق بر تقلید و جمع‌آوری اشاره کرد. نداشتن مقدمه مناسب و کافی، نداشتن نتیجه، نداشتن فهرست منابع و عدم توجه به همه مبانی نقد زیباشناسی و تطبیق آن‌ها بر قصاید، از مهم‌ترین اشکالات کتاب است. در مجموع اثر حاضر به دلیل ویژگی کاربردی خود می‌تواند به عنوان دو واحد درسی برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی در مقطع کارشناسی ارشد به عنوان درس «نقد و تحلیل زیبایی‌شناسی شعر عباسی» تدریس شود.

کلید واژه‌ها: شعر عباسی، تحلیل، ابراهیم عوض، *فی الشعر العباسی تحلیل و تندوق*، شکل، محتوا.

* دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

** دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، afegghi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷

۱. مقدمه

هدف نقد متون، تقویت اثربخشی علم است. با گسترش انتشارات، بررسی تعیین درستی اطلاعات اهمیت بسیاری دارد. نقد، اقدامی اساسی در تولید متون علمی و توسعه آن است. با بررسی‌های روشمند به‌منظور تحلیل آثار علمی، دستاوردهای ارزشمندی در عرصه انتشارات به دست می‌آید که بر مبنای آن می‌توان کاستی‌های متون علمی را به حداقل رساند. از سوی دیگر با توجه به رشد سریع چاپ و نشر کتاب‌هایی با موضوعات و مضامین مشابه، نیاز به نقد متون بیشتر احساس می‌شود تا ارزش واقعی این تألیفات آشکار شود و مخاطبان اعم از عام و خاص معیاری برای انتخاب اثر مفیدتر داشته باشند (درودی، ۱۳۹۳، ص. ۳). در این پژوهش برآنیم کتاب *فی الشعر العباسی تحلیل و تدوین* اثر ابراهیم عوض، ناقد مصری، را در شکل و محتوا ارزیابی کنیم.

کتاب *فی الشعر العباسی تحلیل و تدوین* شامل یازده قصیده از مشهورترین شعرای دوره عباسی است که برخی از آن‌ها در مدح و عده‌ای در وصف و دیگری در رثاست و این تنوع انتخاب به خواننده کمک می‌کند تا تصویری کلی از فضای ادبی این دوره به‌دست آورد. مؤلف برای تبیین معایب و مزایا، هر قصیده را با تحلیل نقدی همراه و به این ترتیب سعی می‌کند مخاطب را با ذوق ادبی و هنری حاصل از شاهکارهای عصر عباسی، همراه سازد. ابراهیم عوض از ناقدان ادبی فعال و پرکار مصری است که تألیفات و پژوهش‌های متعددی در حوزه نقد و ادبیات و تاریخ دارد و مجموع کتاب‌ها و تألیفات او به بیش از یک‌صد اثر می‌رسد. وی در سال ۱۹۴۸ در استان «الغریبه» مصر به دنیا آمد و در سال ۱۹۷۰ از دانشگاه «القاهره» فارغ التحصیل شد. سپس درجه دکتری خود را در سال ۱۹۸۲ از دانشگاه آکسفورد انگلستان اخذ کرد. او استاد نقد ادبی دانشگاه «عین شمس» قاهره و صاحب تألیفات متعددی است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- معركة الشعر الجاهلی بین الرافعی وطه حسین، الفجر الجدید، ۱۹۸۷.

- لغة المتنبی، دراسة تحليلیة، الشباب الحر، ۱۹۸۷.

- المستشرقون والقرآن، مكتبة الزهراء، ۱۴۲۳ ق/ ۲۰۰۳.

- سورة طه، دراسة لغویة اسلوبیة مقارنتیة، دار النهضة العربیة، ۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۳.

- فصول من النقد القصصی، نشر القاهرة، ۱۹۸۷ (عوض، ۲۰۰۶، ص. ۱۱۳).

۱-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

نقد آثار به طور کل و نقد کتاب‌های آموزشی به طور خاص اهمیت زیادی دارد و می‌تواند در رفع کاستی‌ها و معایب اثر و ارتقای جنبه شکلی و محتوایی آن مؤثر باشد. این فرایند اگر با شیوه‌های درست و علمی صورت گیرد و ناقد خود را ملزم به رعایت این شیوه‌ها و همچنین اصول اخلاقی بداند، به طور قطع به بهبود کیفیت آموزشی کمک بسیاری می‌کند و باعث می‌شود مخاطبان بهره‌وری بیشتری از اثر داشته باشند. از سوی دیگر به دلیل اهمیت شعر و ادب دوره عباسی، ظهور اندیشه‌ها و مشارب فکری - فرهنگی متنوع، تضارب آراء و تجدید در محتوا و شکل ادبیات این دوره، شایسته است با نقد آن، معانی پنهان در ورای اثر ادبی، روشن‌تر و قابل فهم‌تر شود. بنابراین، ضرورت پرداختن به کتاب‌هایی که در مورد ادب و شعر این دوره تألیف شده است، امری بایسته و شایسته می‌نماید.

۲-۱. پرسش اساسی و روش پژوهش

مطالعه هر اثر با هدف نقد آن باید با دو نگرش صورت گیرد: نگرش کلی و مجموع تأثیرگذاری که طی آن پیام مؤلف و غرض اصلی او به دست می‌آید و مشخص می‌شود که نویسنده به دنبال تأمین چه نوع کمبودی است و اینکه از چه زاویه‌ای به موضوع بحث نگریسته است. نگرش دوم، نگاه جزئی و موردی است. در این نگرش ناقد به ساختار و ساختمان کلی تألیف نظر نمی‌کند، بلکه مانند کالبدشکاف اثر را تجزیه و تحلیل می‌کند (سلطانی، ۱۳۶۹، ص. ۱۶). بنابراین، با توجه به رویکرد نخست، این پژوهش بر آن است به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- مهم‌ترین نقاط ضعف و کاستی‌های اثر و مزایای آن در دو جنبه شکلی و محتوایی چیست؟

- روش نقدی مؤلف به لحاظ جامعیت نقد زیباشناختی چگونه است و به چه میزانی توانسته در مقام عمل این نوع نقد را به خواننده بیاموزد؟

۳-۱. پیشینه تحقیق

توجه به پیشینه پژوهش عامل مهمی در توجیه ضرورت انجام آن است. با توجه به بررسی‌های انجام شده کتاب فی الشعر العباسی تحلیل و تدوین در گذشته چه در سطح داخلی و خارجی

مورد نقادی و ارزیابی قرار نگرفته و این نکته ضرورت توجه به کتاب و تحلیل انتقادی آن را بیشتر آشکار می‌کند. در رابطه با شعر عصر عباسی پژوهش‌هایی انجام شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- النقد والتجديد في الشعر العباسي بين التعصب والواقع، حسين علي الزعبي، مجلة جامعة دمشق، المجلد ۲۷، العدد الثالث والرابع، ۲۰۱۱.

- خصائص الشعر في العصر العباسي، ياسمينه محمد محمود عمر، مجلة وادي النيل للدراسات والبحوث، العدد الثامن، ۲۰۱۵.

- الشعر العباسي: تطوره وقيمه الفنية: دراسة تاريخية وتحليلية، محمد ابوالانوار.

- في الشعر العباسي، الرؤية والفن، عز الدين إسماعيل.

- التقليد والتجديد في الشعر العباسي، صلاح مصيلحي.

- الشعر العباسي: دراسة وتحليل، نصوص مختارة من الادب العربي: دراسة وتحليل، خليل ابودياب.

- الشعر والشعراء في العصر العباسي، مصطفى الشكعة.

بی‌شک در این آثار و دیگر تألیفات مشابه، برخی از قصایدی که ابراهیم عوض در کتاب خود به نقد آن پرداخته، مورد ارزیابی کلی قرار گرفته، اما آنچه اثر ابراهیم عوض را متمایز و ضرورت توجه به آن را مطرح می‌کند، تأکید ناقد بر فضای داخلی متن و منحصر کردن قصاید مذکور به نقد ساختارگرایی و زیبایی‌شناختی است که به‌عنوان روش نقدی مستقل - صرف‌نظر از مقدار جامعیت این روش و موفقیت آن در تحلیل متون - باید بررسی شود.

۲. تحلیل کمی کتاب *ففي الشعر العباسي تحليل وتذوق* (معرفی کلی اثر)

این کتاب در ۱۱۵ صفحه تنظیم و توسط انتشارات «المنار» در سال ۱۴۲۷ق/ ۲۰۰۶ به چاپ رسید و شامل یک مقدمه کوتاه و یازده قصیده برتر دوره عباسی است که نویسنده به تحلیل و نقد آن پرداخته است. در مقدمه یک صفحه‌ای کتاب درمورد هدف تألیف و ویژگی‌های اثر آمده است: قصاید یازده‌گانه با موضوعات متعددی چون مدح و وصف و رثا انتخاب شده‌اند تا خواننده بتواند درک کلی از شعر عباسی داشته باشد. از جمله ویژگی‌های مثبت اثر، عدم استفاده از اصطلاحات خاص نقدی و بلاغی (جز در موارد اندک) است تا فهم مطالب آسان‌تر

تحلیل انتقادی کتاب فی الشعر العباسی، تحلیل و تذوق ۱۷۳

صورت گیرد، زیرا هدف، شناساندن جنبه‌های زیباشناختی قصاید و تبیین نقاط ضعف آن است. نویسنده معتقد است که هدف از تألیف کتاب محقق شده است بدون اینکه اصطلاحات ادب و نقد بخواهد بر خواننده سنگینی کند (عوض، ۲۰۰۶، ص. ۲). برخی از این قصاید به‌طور کامل و تعدادی نیز به‌صورت گزینشی ذکر شده است. ابیات از حیث موضوع (وصف جنگ، حکمت، مدارا با مردم و...) تقسیم‌بندی و انسجام و ارتباط فکری و تصویری میان آن‌ها در موارد متعددی بیان شده است. این کتاب به‌دلیل بهره از نقد و تحلیل، زبان ساده و انتخاب برترین قصاید دوره عباسی، می‌تواند (با اعمال برخی اصلاحات) به‌عنوان دو واحد درسی (نقد و بررسی متون دوره عباسی) برای مقطع کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات عربی لحاظ و تدریس شود.

۱-۲. محتوای کمی: عنوان‌های اصلی و فرعی

این کتاب را انتشارات «المنار، دارالمنار للطباعة والنشر والتوزیع، القاهرة» در سال ۲۰۰۶ در ۱۱۴ صفحه و به شماره ۲۲۶۴۸۴۴ به شکل کاغذی و الکترونیکی به چاپ رسانده است.

۲-۲. شکل ظاهری اثر

۱-۲-۲. حروف‌نگاری

شکل و ظاهر اثر در معرفی و ارزیابی آن مؤثر است و اگر رعایت نشود می‌تواند از امتیازات اثر بکاهد. عدم رعایت جنبه‌های شکلی در آثار علمی مانند آن است که مواد لازم و مناسب برای ساخت یک بنا موجود باشد، اما نتوانیم شکل و قالب و طرح مناسبی به آن بدهیم و به خوبی از آن‌ها استفاده کنیم. کیفیت شکلی و چاپی اثر مذکور، تقریباً مناسب است، اما بهتر بود اشعار با یک فونت دیگر باشد یا حداقل بولد شود، به‌ویژه اشعاری که در لابه‌لای سطرها آمده که باید وجه ممیزه‌ای با سایر ابیات داشته باشد. در مواردی که اعراب واژه ابهام دارد باید اعراب‌گذاری می‌شد. البته بیشتر ابیات، اعراب‌گذاری شده‌اند که از نقاط مثبت چاپ کتاب به‌شمار می‌رود. این اثر فاقد عنوان‌های فرعی و در قطع رقعی است.

۲-۲-۲. صفحه‌آرایی

اصول فنی و استانداردها صفحه‌آرایی در کتاب از جمله تورفتگی‌های حاشیه‌های راست و چپ و بالا و پایین، تقریباً رعایت شده است. در عین حال، کتاب فاقد عنوان درس (اسم قصیده) و عنوان سر صفحه (نام کتاب) است و عنوان سر صفحه باید در صفحات زوج و عنوان درس نیز در صفحات فرد ذکر شود. صفحه‌های هر قصیده نسبت به صفحه‌هایی قصیده دیگر تناسب نسبی دارد. حجم درس‌ها بین ۶ تا ۱۱ صفحه به فراخور طول قصیده و مقدار شرح و نقد آن، در نوسان است. تنظیم ابیات به خوبی صورت گرفته است و هیچ‌گونه تشویش و ناهماهنگی در مصراع‌ها دیده نمی‌شود.

۳-۲-۲. طرح جلد

طرح روی جلد کتاب یکی از عوامل اثرگذار در جذب مخاطب برای خواندن کتاب است و می‌تواند در توجه به کتاب دافعه یا جاذبه داشته باشد (اکبری‌تبار، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۹ به نقل از: امین مقدسی، ۱۳۹۶، ص. ۲۴۲). طرح روی کتاب مذکور، تصویری از دو دیوان شعری در حالت تورق است که با موضوع کتاب که نقد و تحلیل اشعار عباسی است، متناسب و هماهنگ است. عنوان کتاب و نام مؤلف کاملاً گویا و واضح است. هر چند واژه «عباسی» در طرح کتاب آمده است، اما بهتر بود به بلاغت تصویر هم توجهی می‌شد و عکسی از ویژگی‌های دوره عباسی یا چیزی که به خوبی بیانگر و نماد آن دوره هست، در گوشه‌ای از جلد کتاب نقش می‌بست. جلد روی کتاب از لحاظ دسته‌بندی باید شامل نام نویسنده، عنوان کتاب و موضوع باشد و تصاویر و فونت انتخاب شده باید بهترین کیفیت را داشته باشد و در سریع‌ترین زمان با مخاطب ارتباط برقرار کند. بهتر بود نویسنده در پشت جلد کتاب، خود را به صورت خلاصه معرفی کند. اندازه فونت‌ها و طیف رنگ‌های استفاده شده مناسب است. با توجه به این معیارها طرح جلد کتاب *فی الشعر العباسی تحلیل و تدوین* می‌توانست بهتر طراحی شود.

۴-۲-۲. قواعد عمومی و ویرایش و نگارش

علائم ویرایشی و نگارشی در متن کتاب درجه قابل قبولی دارد و به خوبی رعایت شده است. علائم ویرایشی از جمله ویرگول‌ها، نقطه‌ویرگول‌ها، گیومه، کروشه، و دیگر علائم در جایگاه

مناسب خود استفاده شده‌اند. مؤلف با وجود کوتاه بودن جمله‌ها در به‌کارگیری ویرگول زیاده‌روی کرده است، هر چند این امر سبب سهولت در خواندن می‌شود. این علائم وقتی در عبارت می‌آیند، باید بدون فاصله باشد و بعد از ثبت آن‌ها، فاصله ایجاد می‌شود که این نکته در سراسر کتاب رعایت نشده است. برای مثال در صفحه ۷ آمده است: «ومن الآيات التي تتعرض لوصف يوم القيامة، من مثل قوله تعالى: «إذا الشمس كورت * وإذا النجوم انكدرت»، وقوله سبحانه: «إذا السماء انفطرت * وإذا الكواكب انتشرت». که تمامی این فاصله‌ها باید حذف شود و صحیح آن چنین است: «ومن الآيات التي تتعرض لوصف يوم القيامة، من مثل قوله تعالى: «إذا الشمس كورت * وإذا النجوم انكدرت»، وقوله سبحانه: «إذا السماء انفطرت * وإذا الكواكب انتشرت». از ویژگی‌های سبکی ناقد می‌توان به استفاده از جملات منقطع و ناپیوسته اشاره کرد که باعث تسهیل در فهم نص و عدم پیچیدگی آن می‌شود. این نوع سبک در سراسر کتاب هویداست. برای مثال در تحلیل قصیده «میمیمه» السید الحمیری می‌گوید: «أما من الناحية الفنية، فهذه القصيدة القصيرة متماسكة الأبيات تعالج فكرة واحدة، وكل بيت فيها يسلم إلى تالية على نحو طبيعي. والأسلوب فيها بسيط قد أرسل بلا أي تكلف. وليس فيها غير ذلك شيء يلفت النظر بخاصة، سوى ما يلاحظ من انتشار التثنية في كل أبياتها» (عوض، ۲۰۰۶، ص. ۱۴).

۲-۲-۵. جامعیت صوری کتاب

کتاب حاضر فاقد بسیاری از موارد و معیارهای مربوط به جامعیت صوری است. این کتاب تنها یک مقدمه و یک فهرست دارد و فاقد جمع‌بندی، خاتمه، فهرست اعلام، فهرست آیات، جدول، تصویر، نمودار، و کتابنامه است و این برای خوانندگان ملال‌آور شده و نوعی کاستی است که در صورت ارائه آن به‌عنوان کتاب درسی به چشم می‌آید. مؤلف به دلیلی که مشخص نیست، خود را ملزم به رعایت اصول کتاب‌نویسی نکرده و تنها به شرح چند قصیده بسنده کرده است، بدون اینکه جامعیت صوری آن را در نظر بگیرد.

۲-۲-۶. غلط‌های چاپی

غلط‌های چاپی خاصی در کتاب دیده نمی‌شود و این از محاسن کتاب است. آنچه می‌توان آن را جزو غلط‌های چاپی نامید، عدم مراعات کتابت «ی و ی» است که در کلماتی که باید

به شکل «ی» نوشته می‌شد، اما به صورت «ی» آمده است. برای مثال در صفحه ۷ کلمات «یکتفی، یشی، الذی، امری، فی» و بسیاری از واژه‌های دیگر به لحاظ کتابت حروف عربی صحیح نیستند. این اغلاط باید در چاپ‌های بعدی اصلاح شود، اما موارد همزه وصل و قطع به خوبی مراعات شده است.

۷-۲-۲. ثبت ارجاعات و تنظیم کتابنامه

کتاب فاقد هر گونه ارجاعات، پی‌نوشت و فهرست منابع است و بنابراین نمی‌توان در مورد روش ارجاع‌دهی آن اظهار نظر کرد و این از ارزش کتاب کاسته است. صحیح است که کتاب حاصل تلاش فردی و تحلیل شخصی ناقد است، اما به هر حال آراستن تحلیل — هر چند از خود شخص باشد — به منابع و مستندسازی آن از امتیازات مثبت هر اثر علمی است و نباید به‌طور کل از آن غافل شد.

۳. تحلیل محتوایی کتاب

فرم و محتوا از دیرباز یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در نقد و ادبیات بوده و نزاع بین طرفداران این دو گروه همواره وجود داشته است. آنچه شکی در آن نیست همراهی و هم‌افزایی این دو خصیصه ادبی با هم و در کنار هم است. اگر کلیت اثر ادبی و اجزای سازنده آن را با هم و در کنار هم ببینم آنگاه می‌توان به ارزیابی جامعی از آن دست یافت.

پس از بررسی اجمالی ساختاری و شکلی کتاب، در این بخش به تحلیل محتوایی آن خواهیم پرداخت و در این قسمت مواردی مانند: انتخاب موضوع و تنظیم عنوان، جدید و نو بودن موضوع، مفید بودن، محدود و محصور بودن موضوع، واضح و مختصر بودن آن، فصل‌بندی و تنظیم عنوان‌های داخلی، کیفیت تجزیه و تحلیل و نقد داده‌ها و معلومات، میزان نوآوری و تولید علم، روش نو در ارائه مطالب و در گام آخر کاستی‌های کتاب را بیان خواهیم کرد.

این کتاب، شامل مقدمه یک صفحه‌ای و یازده قصیده از شاهکارهای ادبی دوره عباسی است و این قصاید عبارت‌اند از:

— قصیده بشار بن برد در مدح عمر بن هبیره،

— قصیده میمیه سید حمیری در مدح خلیفه المهدی،

- قصیده ابونواس در مدح عباس، نوه منصور عباسی،
- قصیده رائیه مسلم بن ولید،
- قصیده تائیه دعبل در مدح خاندان رسول اکرم (ص)،
- قصیده ابوتمام در فتح عموریه،
- قصیده ابن رومی در رثای فرزندش محمد،
- قصیده سینه بحتری در وصف ایوان کسری،
- قصیده میمیه متنبی در عتاب سیف الدوله،
- قصیده «یا ظبیة البان ترعی فی خمائله» از شریف رضی،
- قصیده ابوالعلاء المعری در رثای دوست خود ابوحمزه فقیه.

ناقد در آغاز، همه یا بخشی از ابیات قصیده مورد نظر را ذکر می‌کند و سپس به بیان موضوع کلی آن می‌پردازد. در گام بعدی وارد جزئیات می‌شود و ابیات را بر حسب موضوع به چند دسته تقسیم می‌کند و این موضوعات را شرح و بسط می‌دهد. میزان ارتباط و انسجام ابیات با یکدیگر و مقدار موفقیت شاعر در نحوه انتقال از موضوعی به موضوعی دیگر و از بیتی به ابیات دیگر، مورد توجه ناقد است. شرح و تفصیل تصاویر هنری از مسائل مورد اهتمام ناقد است و می‌توان گفت تلاش اصلی وی در این اثر، مسئله تبیین تصاویر هنری به کار رفته در آن و میزان موفقیت و کارایی و مقدار اثرگذاری آن‌ها بر مخاطب است. برای نمونه در شرح این بیت از قصیده بشار بن برد، می‌نویسد:

شاعر در بیت:

بعثنا لهم موت الفجاءة إننا بنو الملک خفاق علينا

تصویر عجیبی خلق کرده و مرگ را موصوف به «خیزش و برانگیختگی» کرده است، حال آنکه این صفت از اوصاف حیات است. آیا شاعر می‌خواهد بگوید که این دشمنان از سرنوشت محتوم و فرجام کار خود غافل هستند و مرگ را فراموش کرده‌اند یا اینکه مرگ در نگاه آنان مرده است (و چنین می‌پندارند که دیگر به سراغ آن‌ها نمی‌آید)، تا اینکه قوم شاعر از راه رسیدند و مرگ را به سوی آنان روانه کردند؟ (و مرگ را برانگیختند؟). سپس شاعر در ادامه، خود و قوم خود را فرزندان مرگ (بنو الموت) می‌داند و می‌خواهد بگوید کیست که بتواند بر قومی که پدر آنان، مرگ است و پرچم‌های مرگ بر بالای سرشان به اهتزاز درآمده است پیروز شود. حال آیا می‌توان تصور کرد که کسی بتواند در مقابل چنین

سپاهی که زیر بیرق مرگ می‌جنگد، مقاومت کند؟ بنابراین نتیجه مشخص است و آن اینکه هر کس بخواهد در مقابل چنین قومی بایستند بی‌شک کشته خواهد شد، یا اسیر می‌شود یا پا به فرار می‌گذارد. شاعر به خوبی از این فرجام تعبیر کرده است:

فراحوا فریقاً فی الإسار ومثلُه قتیلاً، مثلٌ لاذ بالبحر هارُبُه

به جای اینکه بگوید: «فریقٌ من الإسار و فریقٌ قتیلاً و فریقٌ لاذ بالبحر هارُبُه»، اما با اجتناب از تکرار؛ گفت: «فریقٌ»، سپس می‌گوید: «مثلُه» و در پایان با حذف ضمیر «هاء» آن را به شکل نکره ذکر می‌کند (عوض، ۲۰۰۶، ص. ۵). به دیگر سخن، بیان نحوه هم‌نشینی و جانشینی واژه‌ها و نظم حاصل از چینش آن‌ها از نکته‌هایی است که مؤلف توجه ویژه‌ای به آن دارد تا بتواند حس زیبایی‌شناختی و هارمونی موسیقایی ناشی از چینش الفاظ را به خواننده انتقال دهد.

نحوه ورود شاعر به موضوع اصلی قصیده، فضای روحی و معنوی حاکم بر قصیده و میزان اختلاف و توافق چنین فضاها با یکدیگر از دیگر موضوعاتی است که ناقد به آن توجه کرده است. برای مثال در نقد قصیده ابونواس، ابراهیم عوض معتقد است که فضای روانی حاکم بر این قصیده مناسب نیست، بدین بیان که شاعر در آن از یک سو از خیانت معشوقه‌اش صحبت کرده است و اینکه او را به‌عنوان شریک زندگی‌اش قبول ندارد، و از سوی دیگر عباس بن عبیدالله بن جعفر منصور را مدح می‌کند. حال چگونه می‌توان در آن واحد و در یک قصیده از خیانت معشوقه و مدح عباس بن عبیدالله بن جعفر منصور صحبت کرد و این دو چگونه با هم جمع می‌شوند؟! به این ترتیب، ناقد نتیجه می‌گیرد که جو روانی و روحی حاکم بر این قصیده به دلیل اختلاف شدید در موضوع، پذیرفتنی نیست (همان، ص. ۱۹). تبیین تشبیهات و تعیین نوع آن‌ها (تشبیه نفسی یا مادی) (همان، ص. ۲۲)، میزان موفقیت تصاویر هنری در ادای معانی و قصد شاعر (همان، ص. ۴۱) و فخامت وزن و قافیه و لفظ و صورت و تناسب الفاظ با معانی، وحدت موضوع، از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی ناقد است و در سراسر کتاب چنین روشی حاکم است.

۳-۱. انتخاب موضوع و تنظیم عنوان

انتخاب موضوع تحقیق و تنظیم عنوان، اولین و مهم‌ترین گام در هر پژوهش، و یکی از نشانه‌های تسلط و مهارت نویسنده نسبت به موضوع است. لذا می‌توان از آن به‌منزله نخستین

تحلیل انتقادی کتاب *فی الشعر العباسی، تحلیل و تذوق* ۱۷۹

معیار ارزیابی تحقیقات دانشگاهی یاد کرد. دانشمندان با توجه به نوع و حجم تحقیق، چند ویژگی و معیار مهم را برای انتخاب موضوع تحقیق و تنظیم عنوان ذکر کرده‌اند. این معیارها عبارت‌اند از:

- موضوع باید محدود و محصور باشد،
 - موضوع باید جدید و مفید باشد،
 - موضوع باید مختصر باشد،
 - موضوع باید واضح و جذاب باشد (عسکری صادق، ۱۳۸۹، ص. ۳؛ ضیف، ۱۹۷۲، صص. ۱۸-۲۴؛ مشکین‌فام، ۱۳۸۹، ص. ۲۰؛ شلبی، ۱۹۷۴، ص. ۸).
- براساس این معیارها و ویژگی‌ها، کتاب حاضر را مورد نقد قرار خواهیم داد.

۳-۱-۱. جدید و نو بودن موضوع

موضوع کتاب حاضر، موضع جدیدی نیست و در این رابطه کتاب‌های دیگری نیز یافت می‌شود و شرح این قصاید در کتاب‌های تاریخ ادبیات و گزیده‌های متون عباسی وجود دارد؛ مانند کتاب *المجانی الحدیثه* جلد سوم از اب شیخو، *الشعر والشعراء فی العصر العباسی* اثر *مصطفی الشکعة*، و *تاریخ الادب العربی العصر العباسی الثانی* از شوقی ضیف، و *الأدب العربی فی العصر العباسی*، ناظم رشید، و *ادباء العرب فی العصر العباسی*، بطرس بستانی، و *ملاحم الادب فی العصر البعاسی الاول*، عبدالهادی عبدالله عطیة و *امراء الشعر العربی فی العصر العباسی*، انیس المقدسی، و غیره. هر چند این کتاب‌ها به نقد قصاید پرداختند، اما ویژگی‌ها و مضامین و شرح آن‌ها به صورت پراکنده در لابه‌لای آن‌ها آمده است. بنابراین قصاید انتخاب‌شده از مشهورترین قصاید و اشعار دوره عباسی هستند و تحلیل‌ها و نقدهای زیادی در مورد آن‌ها وجود دارد، اما با توجه به اینکه بیشتر کتاب‌های نقدی زبان پیچیده‌ای دارند، کتاب حاضر با بهره‌گیری از زبانی آسان و به دور از تکلف، می‌تواند مفید باشد.

۳-۱-۲. مفید بودن

معیارهای مفید بودن موضوع عبارت‌اند از:
- خلاقیت در شناسایی نیازهای جامعه و طرح مسئله،

- بدیع بودن موضوع تحقیق و خودداری از تکرار تحقیقات پیشین،
- وفاداری به تحقیقات انجام شده قبلی،
- پژوهش پذیر بودن موضوع تحقیق،
- مهم بودن مسئله تحقیق و ارزش بررسی آن،
- توانایی پژوهشگر (علاقه‌مندی، کنجکاوی و کشش علمی برای شناخت آن)،
- ملاحظات اخلاقی (تحقیق نباید با ارزش‌های رایج جامعه متناقض باشد)،
- امکان‌سنجی اجرای تحقیق بر اساس زمان در اختیار.

تحقیق حاضر برخی از معیارهای ذکر شده را دارد؛ مانند: خلاقیت در شناسایی نیازهای جامعه و طرح مسئله و مهم بودن مسئله تحقیق و ارزش بررسی آن (با توجه به کاربردی بودن آن)، توانایی پژوهشگر و پژوهش پذیر بودن موضوع تحقیق؛ و برخی را نیز دارا نیست. از سوی دیگر مفید بودن یک موضوع با توجه به وسعت و محدوده اطلاعات و دانش مخاطبان متفاوت است و تعیین دقیق موضوعات جدید و مفید کاری نیست که بتوان به آسانی به آن اقدام کرد (امین مقدسی، ۱۳۹۶، ص. ۲۴۹). درنهایت، با توجه به کاربردی بودن کتاب، موضوع آن نیز ارزشمند است.

۳-۱-۳. محدود و محصور بودن موضوع و میزان وضوح آن

پس از آنکه محقق مسئله را برگزید، باید به واریابی ابعاد آن پردازد و پس از تعیین ماهیت و مقیاس (کلی و جزئی) مرزها و قلمرو آن را مشخص کند تا اولاً، امکان تعریف جامع از آن فراهم شود و ثانیاً، از تداخل مسائل دیگر در قلمرو آن جلوگیری به عمل آید، زیرا اگر جلو این تداخل گرفته نشود، امکان بروز اشتباه در پرداختن به مسئله تحقیق پیش می‌آید (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۴). مسئله تحقیق از نظر موضوع، مفاهیم، ابعاد مجهول، چارچوب نظری و مبنای فرضیه‌سازی قابل آزمایش، باید شفاف باشد و در آن ابهامی وجود نداشته باشد (همان، ص. ۱۰۳).

عنوان کتاب *فی الشعر العباسی تحلیل و تندوق ویژگی محدود و محصور بودن را ندارد*، زیرا خواننده با دیدن این عنوان نمی‌تواند به خوبی تشخیص دهد که چه مقدار از شعر عباسی و چه تعداد از شعرا مورد تحلیل و نقد قرار گرفته‌اند. برای رفع این ابهام نویسنده می‌توانست

از عنوان‌هایی مانند «مختارات فی الشعر العباسی تحلیل و تذوق»، «نماذج من الشعر العباسی تحلیل و تذوق»، «نصوص من الادب العباسی تحلیل و تذوق» و ... استفاده کند. هر چند در مقدمه کتاب این ابهام به خوبی رفع شده است و نویسنده بیان می‌کند که یازده قصیده ادب عباسی بررسی می‌شوند، اما موضوع باید به نحوی باشد که برای تعیین حد و حدود آن نیازی به مراجعه به مقدمه نباشد.

۲-۳. فصل بندی و تنظیم عنوان‌های داخلی

انتخاب مباحث فرعی و تنظیم عنوان‌های داخلی در هر اثر علمی از جمله معیارها در ارزیابی تسلط و اشراف همه‌جانبه نویسنده بر عناصر و افکار اساسی موضوع خود است (شلیبی، ۱۹۷۴، ص. ۳۳). عنوان‌های داخلی مانند عنوان اصلی باید واضح و دارای نظم منطقی باشند (ضیف، ۱۹۷۲، ص. ۲۷)؛ به عبارت دیگر عنوان‌بندی هر اثر علمی همان تنظیم معلومات و یافته‌های علمی است که در یک جهت‌گیری منسجم و پیوسته مانند حلقه‌های زنجیر پشت سر هم قرار گرفته است، به طوری که اگر مبحثی از جای خود جابه‌جا شده و زودتر یا دیرتر از مباحث دیگر بیاید، مانند این است که حلقه‌های زنجیر به هم ریخته است و آشفتگی در عنوان‌بندی به وجود می‌آید (صابری، ۱۳۸۴، ص. ۲۳). عنوان‌های فرعی خاصی در این کتاب دیده نمی‌شود و با توجه به اقتضای طبیعت کتاب شاید نتوان برای آن عنوان‌بندی خاصی را تعریف کرد، زیرا نویسنده قصد دارد برخی قصاید دوره عباسی را نقد و تحلیل کند و به همین منظور تنها به ذکر آن قصاید به‌منزله عنوان‌های فرعی بسنده کرده است. در واقع، به جای باب و فصل از عنوان هر قصیده و درس استفاده شده است. بهتر بود در ابتدای کتاب مختصری درباره نقد و روش‌های نقد و معرفی نوع نقد به‌کار رفته در اثر مذکور بحث می‌شد. نویسنده درباره ترتیب قصاید در کتاب خود توضیحی نداده است.

۳-۳. کیفیت تجزیه و تحلیل و نقد داده‌ها و معلومات

ادب دوره عباسی سرشار از انواع بلاغی و عناصر زیبایی‌شناسی و همچون آینه‌ای است که مقدار براعت شعرای بزرگ این عصر را همراه با اسلوب فنی آن‌ها، نشان می‌دهد؛ اسلوبی که برگرفته از وقایع و حوادث و محیط فرهنگی عصر آنان است. شعرا از این اسلوب خود در مدح ممدوحان یا دیگر پدیده‌های عالم خارج استفاده و افکار و تخیلات خود را در آن بیان

کرده‌اند. ابراهیم عوض نیز در اثر خود با عنوان *فی الشعر العباسی تحلیل وتدوق سعی کرده* است نمونه‌هایی از قصاید برجسته عصر عباسی را به منظور تعیین و تبیین مقدار تأثیر تصاویر هنری آن‌ها بر ذوق ادبی خواننده و میزان تأثیرپذیری مخاطبان از این تصاویر، نقد کند. نویسنده با استفاده از منهج وصفی - تحلیلی بارزترین ویژگی‌های هنری و زیبایی‌شناسی برگزیده‌های اشعار عباسی را بیان کرده است. او قصاید و اشعار را از شرح حال نویسنده و متن تاریخی‌اش بیرون کشیده و بدون توجه به فضای پیرامون متن، آن را نقد و تحلیل کرده است. محور کار مؤلف تأکید بر شکل و با رویکرد ساختاری و زیبایی‌شناسی، تمرکز بر شیوه بیان، تصاویر هنری، معانی، تش‌ها و تناقضات درونی شاعر است. «درحقیقت مؤلف به دنبال روشی است که در آن خود شعر، خودش را تحلیل کند» (درودی، ۱۳۹۳، ص. ۷).

یکی از اشکال‌های جدی کتاب عدم استفاده از منابع نقدی و مرتبط است، به طوری که نویسنده نقد خود را مستندسازی نکرده است. موفقیت نویسنده در تبیین تصاویر هنری به کار رفته در قصاید است، به طوری که با بیانی شیوا توانسته هدف کتاب را که فعال کردن حس ادبی خواننده و مشارکت دادن او در حس لذت زیبایی هنری است، محقق سازد. نویسنده در نقد و تحلیل خود اطناب و زیاده‌گویی ندارد و سعی می‌کند با بیانی موجز تصویری از معنا را به خواننده ارائه دهد. کلیت کتاب با مبانی فرهنگ دینی سازگاری دارد و جز در یک مورد - که به نظر می‌رسد نویسنده بر شاعر شیعی مذهب (=الحمیری) به هنگام نقد قصیده وی، از خود تعصب نشان داده و با نگاهی غلوآمیز عمده بحث خود را به مباحث مذهبی اختصاص داده است و بسیار تلاش می‌کند تا فضیلت خلیفه دوم، عمر، را بر امام علی (ع) اثبات کند - در دام تعصب افتاده است که باید در آثار علمی کاملاً از آن دوری جست و این موضوع باعث شده است که از نقد هنری قصیده غافل شود.

۳-۴. میزان نوآوری و تولید علم

با توجه به اینکه تقریباً سراسر کتاب جنبه تحلیلی و نقدی دارد، اگر مؤلف کتاب را با مبحث پایانی یا نتیجه‌گیری به اتمام می‌رساند، می‌توانستیم به راحتی به میزان نوآوری و نقش آن در تولید علم اشاره کنیم. از سوی دیگر در مقدمه کتاب سؤال یا سؤالاتی مطرح نشده است تا مؤلف به پاسخ آن‌ها در اثنای تحقیق بپردازد و همانطور که گفتیم، نتیجه‌ای هم ندارد که به جواب سؤالات اشاره کرده باشد، زیرا از معیارهای ارزیابی نوآوری یک اثر، داشتن مقدمه

تحلیل انتقادی کتاب *فی الشعر العباسی، تحلیل و تذوق* ۱۸۳

خوب و و طرح سؤالات و نحوه پاسخ به آنهاست. اما در مجموع به دلیل غلبه وجه نقدی و تحلیلی کتاب بر جمع‌آوری صرف، می‌توان گفت که نویسنده توانسته است در افزایش علم و آگاهی مخاطب نقش مؤثری ایفا کند.

۵-۳. روش نو در ارائه مطالب

از ویژگی‌های کتاب که آن را از بسیاری از کتاب‌های نقدی متمایز می‌کند جنبه کاربردی آن است و اینکه توانسته اطلاعات لازم را با زبانی ساده و به دور از تکلف به خواننده ارائه دهد. این روش باعث تسهیل در فهم و افزایش میزان مشارکت مخاطب می‌شود و از سوی دیگر گام مهمی در آموزش نوآموزان و کسانی است که به تازگی قصد آشنایی با مباحث نقدی و ادبی دارند.

۶-۳. کاستی‌های کتاب

با توجه به «إِذَا تَمَّ أَمْرٌ بَدَأَ نَقْصُهُ» هر اثر بشری کاستی‌ها و عیوبی دارد که بعد از انتشار بیشتر آشکار می‌شود. مقدمه کتاب حاضر کوتاه است و بخش خاتمه یا نتیجه‌گیری ندارد. کتاب فاقد هر گونه ارجاع و فهرست منابع و اعلام است و معلوم نیست که نقد استفاده‌شده در آن از خود مؤلف است یا از گفته‌های دیگران استفاده کرده است. به دیگر سخن اخلاق علمی رعایت نشده است و حتی اگر تمامی تحلیل‌های به کار رفته از خود نویسنده باشد، به ضرورت باید این نکته را در مقدمه ذکر می‌کرد.

استناد به گفته‌ها و اشعار خود شاعران در تبیین شخصیت جایگاه ادبی و ویژگی‌های شعری و سبکی آنها می‌توانست از امتیازات کتاب باشد و شیوه استدلالی نویسنده را قوت بخشد. برای مثال در کتاب *أمراء الشعر العربي فی العصر العباسی* از انیس مقدسی، مؤلف در تبیین شخصیت شعری ابی نواس با استناد به قول خود شاعر که می‌گوید: «لَا أَكَادُ أَقُولُ شِعْرًا جِيدًا حَتَّى تَكُونَ نَفْسِي طَيِّبَةً وَأَكُونَ فِي بَسْتَانٍ مُؤْتَقٍ وَعَلَى حَالٍ ارْتَضِيهَا مِنْ صَلَّةٍ أَوْ وَصَلٍ أَوْ وَعْدٍ بِصَلَّةٍ. وَقَدْ قَلْتُ وَأَنَا عَلَى غَيْرِ هَذِهِ الْحَالِ أَيْبَاتًا لَا أَرْضَاهَا». (همین که در بستانی مطبوع قدم می‌نهادم و از صله یا وعده وصل و یا هدیه‌ای خوشنود بودم، شعر نیکویی می‌سرودم و اگر بیت‌هایی را در حالتی غیر از آن می‌سرودم از آن رضایت نداشتم) (جمشیدی، ۱۳۹۵، ص.

۹، با اندکی تغییر و تصرف؛ امین مقدسی، ۱۹۸۹، ص. ۱۱۷)، شیوه استدلالی خود را تقویت کرده است. نداشتن شرح مفردات هم یکی از مهم‌ترین کمبودهای کتاب شمرده می‌شود.

۷-۳. میزان موفقیت نویسنده در نقد زیبایی‌شناسی با توجه به اصول و مبانی این نقد

در این بخش از مقاله، با توجه به اصول و مبانی نقد زیبایی‌شناسی و سپس تطبیق این اصول بر یک نمونه از قصاید موجود در کتاب، قصد داریم در عمل نشان دهیم که مؤلف به چه میزانی توانسته در نقد خود جامع عمل کند. برای تحقق این مطلوب، ابتدا نگاهی گذرا به مبانی نقد زیبایی‌شناسی خواهیم داشت و در گام بعدی با ذکر نمونه‌ای از تحلیل نویسنده (ابراهیم عوض)، به ارزیابی آن خواهیم پرداخت. با توجه به مجال بحث و محدودیت آن از یک سو، و از آنجایی که نویسنده تقریباً نقد همه قصاید را با یک شیوه دنبال کرده است، ذکر بیش از یک نمونه ممکن نیست.

۱-۷-۳. نگاهی به نقد زیبایی‌شناسی و اصول آن

فرمالیست‌ها و ساختارگراها در تحلیل‌های خود، زیبایی در ادبیات را حاصل آشنایی زدایی و برجسته‌سازی شگردهای زبانی می‌دانند. آنان در نقد متن هر چه جز متن را به کناری می‌نهند. از دیدگاه ساختارگرایی کشف برجسته‌سازی‌های زبانی، کشف عامل لذت‌آفرینی متن است. حلقه پیوند منطقی میان تحلیل ساختاری از زیبایی‌آفرینی زبانی و زیبایی‌شناسی هنری در متن ادبی، همین لذت‌آفرینی است، یعنی برجسته‌سازی‌های زبانی متن، لذت‌آفرین هستند. این لذت زیبایی‌شناسی ناشی از کشش، تنش و تعلیق میان کشف‌هاست. کشف هماهنگی‌های نو، کشف تناسب‌ها، کشف ابهام‌ها، تقارن‌ها، کشف توازن‌ها و کشف دیگر ابعاد زیبایی هنری، لذت هنری به مخاطب می‌چشاند. زلالی عواطف، بیان صادقانه عواطف و والایی عواطف مطرح‌شده در اثر، از جمله معیارهای سنجش حضور زیبایی‌هاست (جبری، ۱۳۹۱، صص. ۱۲-۶). توجه به موسیقی بیرونی و درونی و صنایع بدیعی از دیگر مواردی است که باید در نقد زیبایی‌شناسی به آن توجه داشت. احساس یکپارچگی و پیوستگی و یگانگی در میان اجزای گوناگون متن (نظم، بافت و ساختار) یکی از سطوح ظهور هماهنگی و از جمله مهم‌ترین معیارهای سنجش زیبایی است که از قرن‌ها پیش عبدالقاهر جرجانی آن را در قالب نظریه نظم مطرح کرده است.

۲-۷-۳. نمونه‌ای از تحلیل نویسنده و نقد آن (قصیده تائیه دعبل الخزاعی)

به‌منظور جلوگیری از اطاله کلام از ذکر قصیده در اینجا خودداری می‌کنیم. نویسنده تحلیل زیبایی‌شناسی خود از این قصیده را با صدق عاطفه گوینده آن آغاز می‌کند و می‌گوید: حزن حاکم بر فضای قصیده از والاترین حزن‌هاست که درمورد سرنوشت خاندان رسول اکرم (ص) و مصیبت‌های وارده بر آنان سخن می‌گوید. نویسنده در ادامه روش ورود شاعر به قصیده را بیان می‌کند. شاعر در ابتدا مقدمه‌ای به‌سان شعرای غزل‌سرا می‌سراید و از «اطلال» و «دِمن» صحبت می‌کند.

مدارس آیات خلت من تلاوة	منزل وحی مقفر العرصات
لِأَلِ رَسُولِ اللَّهِ بِالْخَيْفِ مِنْ مَنِيٍّ	وَبِالرُّكْنِ وَالتَّعْرِيفِ وَالْجَمْرَاتِ
دِيَارِ عَلِيٍّ وَالحُسَيْنِ وَجَعْفَرٍ	وَحَمْزَةَ وَالسُّجَادِ ذِي الثَّنَاتِ...

نویسنده با باریک‌بینی، حسرت دعبل بر اطلال را با حسرت شعرای غزل‌سرا یکسان نمی‌بیند، چراکه دعبل تنها برای خود گریه نمی‌کند، گریه او گریه امتی است بر ظلم و ستم‌هایی که بر خاندان پیامبر رفته است. او در این حزن با آنان شریک است، زیرا این دوستانش نبودند که او را ترک کردند، بلکه به‌سبب جور ظالمان بود که پراکنده شدند. نویسنده می‌گوید: اماکن و اشخاصی که شاعر ذکر کرده است، از اماکن مقدسه و شخصیت‌های بزرگی هستند که نامشان بر زبان شیرین و بر گوش، گوش‌نواز است؛ مانند الخیف، منی، رکن، التعریف، الجمرات، علی، الحسین، جعفر، حمزه و سجاد (عوض، ۲۰۰۶، ص. ۳۷). سپس، تصاویر بیانی قصیده را به‌طور بسیار گذرا بررسی و تحلیل کرده و میزان تأثیر آن‌ها را شرح می‌دهد. او می‌گوید: تصاویر هنری که شاعر از مصیبت‌های وارده بر خاندان رسول‌الله ترسیم کرده، تصاویری هستند که در اعماق قلب ما نفوذ کرده است. او تأکید می‌کند شاعر در تصاویری مانند:

شطت بهم غربة النوى	أفانين في الآفاق مفترقات
لهم كل حين نومة مضاجع	لهم في نواحي الارض مختلفات

با عبارت‌هایی مانند «نحفا جسومهم» و «بنات زیاد بالقصور مصونة» به‌خوبی توانسته ظلم و ستم وارده بر خاندان بزرگ رسول‌الله را ترسیم و مصیبت‌ها را مصیبت خود تلقی کند و کاملاً با آنان همسو می‌شود.

نویسنده معتقد است مقدمه قصیده کاملاً به‌طور مناسبی در جای خود به‌کار رفته است، زیرا مقصود از اطلال در اینجا یعنی منزلگاه دوستان و محبوبانی که کل قصیده بر محور آن است. در رابطه با تعابیر به‌کار رفته در قصیده، نویسنده نکته‌هایی را یادآور می‌شود. برای مثال می‌گوید: بهتر بود شاعر «التَفَنَة»^۱ را در «ذی التفنات» با لفظ دیگری جایگزین می‌کرد. درست است که «التفنة» به معنای «الرکبة = زانوی شتر» است، اما در ذهن بیشتر «رکبه»ی شتر را متبادر می‌کند؛ و آن قسمتی از بدن شتر است هنگام خوابیدن و نشستن روی زمین قرار می‌گیرد و در اثر نشستن متورم می‌شود و به‌سبب همین تورم و برآمدگی، زشت می‌نماید.

یا در بیت:

إذا ذكروا قتلی بیدر وخیر و یوم حنین أسلبوا العبرات

که در رابطه با کینه‌توزان و دشمنان خاندان رسول‌الله است، باید گفت که «إسبال العبرات» هرگز با کینه و انتقام، متناسب نیست، زیرا گریه به هر حال، نشان از رقت قلب دارد و کینه و میل به انتقام‌جویی و شکنجه، شدیدتر از آن است که چشم بخواهد اشکی بریزد و گریه کند و این تصویرسازی را ضعیف، می‌کند (عوض، ۲۰۰۶، ص. ۳۵). ابراهیم عوض تقریباً همین شیوه کار را در سراسر کتاب پیش گرفته است. بنابراین، محورهای فعالیت نقدی وی را می‌توان چنین بیان کرد:

۱. بیان عاطفه شاعر و میزان صدق آن،
 ۲. تبیین تصاویر به‌کار رفته در قصیده و ارزش و میزان وضوح آن،
 ۳. اشاره به میزان موفقیت شاعر در انتخاب الفاظ و تعابیر متناسب با معنای مورد نظر،
 ۴. تقسیم‌بندی قصیده از لحاظ موضوعی به چند بخش و تبیین میزان وحدت فکری و فضای روحی آن،
 ۵. میزان توانایی و مهارت شاعر در بازی با تصاویر بیانی.
- با توجه به آنچه در اصول و مبانی نقدی زیبایی‌شناسی گفتیم، اینک به ارزیابی نقد نویسنده از این قصیده خواهیم پرداخت.

کار نقد زیبایی‌شناسی با نشان دادن برجسته‌سازی‌ها آغاز می‌شود و بر مبنای داده‌ها به توصیف و چگونگی جریان و جوشش قاعده‌افزایی‌ها و هنجارگریزی‌ها در ساختار متن و چگونگی ادای معنا و شکل‌گیری فرم به تناسب معنا پرداخته می‌شود. برای تحلیل

زیبایی‌شناسی به عملکرد موسیقی بیرونی و قافیه‌ها در آفرینش هماهنگی و وحدت آوایی و معنایی توجه می‌شود.

هماهنگی هجای قافیه «ت»، (=العرصات، الجمرات، التفنات و...) برش‌ها و مکث‌هایی را پدید آورده است تا مجال تأمل خواننده بر معنا را مهیا کند. این تأنی نوعی کندی و کشش در موسیقی را موجب شده که در خدمت تأکید و افزایش معناست و بر بیان شکوه، حسرت و سوزش دلالت می‌کند. توازن‌ها و تقارن‌ها میان موسیقی و موضوع، موسیقی و معنا، موسیقی و عاطفه، موسیقی و خیال، در کل قصیده هماهنگی پدید آورده است. به لحاظ موسیقی باید گفت که «تائیه» دعبل الخزاعی در بحر طویل و در قالبی آرام، روان و کند پیش می‌رود و چنین موسیقی‌ای با موضوع قصیده و فضای حاکم بر آن، که فضایی غم‌انگیز و حزن‌آلود است، کاملاً هماهنگ است، زیرا این بحر دارای تفعیلات متغییری است که حالتی از مناجات و دیالوگ و گفت‌وگو را دست می‌دهد. بنابراین، چنین بحر شعری در تحقق انتقال تجربه شاعر به مخاطب، مناسب است. قافیه و روی در این قصیده به خوبی بیانگر حسرت و افسوس و داغ نهفته در دل شاعر است و توانسته در انتقال عاطفه وزین و حزن شاعر نقش ایفا کند. شاعر به خوبی از غنای زبانی خود در ساخت الفاظ استفاده کرده و با توجه به روی قصیده (تای مکسور)، در موارد متعددی از جمع مؤنث سالم در حالت نصب و جر استفاده کرده است. توزیع حروف متشابه در بیت شعری یا مقطع در جهت تحقق معانی همراه با موسیقی از ویژگی‌های برجسته این قصیده است. برای مثال نگاه کنید به تکرار «ن» در:

تجاوبن بالارنان والزفرات نوائح عجم اللفظ والتطقات اسری
یخبرن بالانفاس عن سر انفس هوی ماض و آخر آت

تکرار لفظی، استعاره، جناس، کنایه و دیگر شگردهای بلاغی از جمله معیارهای نقد زیبایی‌شناسی هستند که در تحلیل نویسنده اشاره‌ای به آن‌ها نشده است. جمله‌های اسمیه و فعلیه و ساختارهای نفی به خوبی توانسته اهداف شاعر مانند تجدد، حدود، ثبات، تحقق و تأکید را محقق کند. آشنایی زدایی‌های نحوی مانند تقدیم و تأخیر، تقدیم جار و مجرور بر فعل (الی الله اشکو لوعة عندکم)، حذف مسند و مسندالیه، فصل و وصل و... از خصوصیات نقد زیبایی‌شناسی قصیده است که نویسنده از آن‌ها عبور کرده است.

قصدها از بیان این مسائل، نقد کامل قصیده نیست، بلکه هدف آن است که نشان دهیم نقد ابراهیم عوض تا چه حد جامعیت دارد. به این ترتیب می‌بینیم که وی بسیاری از معیارهای نقد زیبایی‌شناسی را نادیده گرفته و وقتی یکی از رویکردهای نقدی را در اثر ادبی اعمال کنیم این رویکرد باید به بهترین وجه و کامل‌ترین شکل تطبیق داده شود.

۴. نتیجه

با توجه به اهمیت ادبیات دوره عباسی و تحولاتی که در شکل و محتوا بر شعر و ادب این دوره عارض شد، اشعار این دوره ضرورت نقد و تحلیل هر چه بیشتر را می‌طلبند. از این رو، کتاب حاضر با تأکید بر برجسته‌ترین قصاید این دوره، با رویکرد نقدی و تحلیلی، می‌تواند گام مفید و مؤثری در آشنایی دانشجویان با مضامین و تصویرهای به‌کار رفته در قصاید و نقد زیبایی‌شناسی آن باشد. کتاب از مرحله آموزشی فراتر می‌رود و تلاش می‌کند مخاطب را به سمت نحوه نقد و تحلیل متون سوق دهد. کتاب در شکل و محتوا قوت‌ها و ضعف‌هایی دارد. از موارد قوت آن می‌توان به غالب بودن جنبه تحلیل و نقد بر جمع‌آوری، مشارکت دادن خواننده در متن، سعی در انتقال حس زیبایی‌شناسی اشعار به مخاطب، استفاده از زبان گویا و ساده و بی‌تکلف و به دور از اصطلاحات خاص نقدی به‌منظور تسهیل فهم متن، اشاره کرد. از موارد ضعف آن نیز می‌توان از نبود هر گونه ارجاع و استفاده از منابع مرتبط، فقدان مقدمه مناسب و لازم، فقدان نتیجه و فهرست‌ها از جمله فهرست اعلام یاد کرد.

کشف هماهنگی‌های نو، کشف تناسب‌ها، کشف ابهام‌ها، تقارن‌ها، کشف توازن‌ها و کشف دیگر ابعاد زیبایی هنری، لذت هنری به مخاطب می‌چشانند. زلالی عواطف، بیان صادقانه عواطف و والایی عواطف مطرح‌شده در اثر، از جمله معیارهای سنجش حضور زیبایی‌هاست. توجه به موسیقی بیرونی و درونی و صنایع بدیعی از دیگر مواردی است که باید در نقد زیباشناسایی به آن توجه کرد. احساس یکپارچگی، پیوستگی و یگانگی در میان اجزای گوناگون متن (نظم، بافت و ساختار) یکی از سطوح ظهور هماهنگی و از جمله مهم‌ترین معیارهای سنجش زیبایی است.

در مجموع، کتاب در تحقق اهداف تعیین‌شده موفق بوده است و با توجه جنبه کاربردی و نقد عملی، جایگاه استواری دارد. در عین حال، باید گفت نویسنده نقد زیباشناسی کاملی از قصاید، ارائه نداده است و بسیاری از جنبه‌ها، معیارها و اصول این نوع نقد را نادیده گرفته

است. توصیه می‌شود با رفع نقص‌های ذکرشده، این کتاب به‌عنوان دو واحد درسی در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «نقد و تحلیل شعر عباسی» تدریس شود.

پی‌نوشت

۱. فَنِّ: تَفَنًّا يَدُهُ: دست او بر اثر کار سیفت شد. امام سجاده^(ع) را که در اثر سجده زیاد، در پیشانی یا دیگر مواضع سجده‌اش اثری می‌ماند، «ذوالفئات» می‌نامیدند. چرا که مواضع سجودش مانند زانوی شتر، پینه می‌بست. تَفَنَّهُ، به‌معنای پینه زانو و سینه شتر است.

منابع

- اکبری تبار، ع.ا. (۱۳۹۱). مطالعه‌ای در باب فرایند طراحی جلد کتاب به همراه نظرسنجی در مورد طرح جلد کتاب‌های انتشارات سوره مهر. کتاب مهر، ۵، ۱۲۸-۱۵۱.
- امین مقدسی، ا.، نویدی، ع.، و بیات، م. (۱۳۹۶). معرفی و نقد و بررسی کتاب «نصوص من الأدب الاندلسی». الجمعية العلمية الإيرانية للغة العربية وآدابها، ۴۶، ۲۳۹-۲۶۰.
- جبری، . (۱۳۹۱). نقد زیبایی‌شناسی هنری در متن ادبی (مطالعه موردی یک غزل حافظ). مطالعات زبانی و بلاغی، ۵، ۳۱-۶۲.
- جمشیدی، ل. (۱۳۹۵). نقد و بررسی کتاب «أمرء الشعر العربي فی العصر العباسی». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۶(۴۳)، ۷۳-۹۵.
- حافظ‌نیا، م.ر. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
- درودی، ف. (۱۳۹۳). درآمدی بر انواع نقد و کارکردهای آن. نقد کتاب، ۳ و ۴، ۲۲۱-۲۳۴.
- سلطانی، م.ع. (۱۳۶۹). ضرورت و شیوه نقد کتاب. آیین پژوهش، ۱، ۱۰-۱۷.
- شلبی، ا. (۱۹۷۴). کیف تکتب بحتاً أو رسالة. القاهرة: مكتبة النهضة العربية.
- ضیف، ش. (۱۹۷۲). البحث الأدبی طبیعته و مناهجه وأصول و مصادره. القاهرة: دارالمعارف.
- عسکری، ص. (۱۳۸۹). نقدی بر انتخاب موضوع و عنوان مقاله در مجلات علمی - پژوهشی زبان و ادبیات عربی. زبان و ادبیات عربی، ۲، ۹۷-۱۱۸.
- عوض، ا. (۱۴۲۷ق/۲۰۰۶). فی الشعر العباسی تحلیل و تذوق. القاهرة: المنار للطباعة و النشر.
- مشکین فام، ب. (۱۳۸۶). البحث الادبی مناهجه و مصادره. تهران: سمت.
- مقدسی، ا. (۱۹۹۹). أمرء الشعر العربي فی العصر العباسی. دار العلم للملایین.

